



بدرود نگارگر معنویت ایرانی

هنرمندان
از استاد فرشچیان
و هنرش گفتند

نگارگر کرشمه

تصویری حافظ



حسام الدین
سراج
خواننده موسیقی
ایرانی

سراج:
نگارگری
استاد
فرشچیان
کرشمه
تصویری از
اشعار حافظ
است. هنری
که قابل
توصیف
نیست و بهتر
آن است که
دوستان
آثار ایشان
را از نزدیک
ببینند

استاد محمود فرشچیان یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان معاصر جهان است. هنرمندی بزرگ که توانست شیوه نگارگری ایرانی را با ابداعات و نوآوری‌های خود پیوند زند و فضای جدیدی در نقاشی ایران و جهان پدید آورد. هنرمندی که هنرش منحصر به فرد است و یک شیوه خاص ایرانی در آثار او آشکار است؛ سبک و سیاقی که نگاه هر بیننده‌ای را به اشعار حافظ معطوف می‌کند و آن لطافت و غمبازی که در اشعار حافظ نمایان است، در نگارگری استاد فرشچیان به تصویر درآمده است.

در حقیقت نگارگری استاد فرشچیان کرشمه تصویری از اشعار حافظ است. هنری که قابل توصیف نیست و بهتر آن است که دوستان آثار ایشان را از نزدیک ببینند و با آن انس بگیرند و آن زمان استاد فرشچیان را بشناسند. البته این خلقت زیبایی تنها به هنر ایشان خلاصه نمی‌شود و در رفتار و گفتار و کردار ایشان هم همین زیبایی و خوب بودن نمایان بود و با دوستان و نزدیکان خود رفتاری بسیار صمیمی و آرام و دوست داشتنی داشتند و البته در کنار آن از صفای باطن خاصی برخوردار بود. آنچنان که اگر کاری را انجام می‌داد با نهایت صافی و پاکی بود. به قول حضرت حافظ: «غوطه در اشک زدم کاهل طریقت گویند/ پاکشو اول و پس دیده بر آن پاک اندازه» و همین پاکی و زلالی است که در آثار استاد فرشچیان نمود پیدا کرده و تأثیرگذار بوده است؛ آثاری که در جهان بسیار شناخته شده است.»

به یاد دارم سال‌ها قبل برای برگزاری کنسرتی با استاد جلال ذوالفنون و گروه بیدل به آمریکا سفر کرده بودیم در آنجا دیداری با استاد فرشچیان داشتیم و برای صرف شام در یک کشتی میهمان ایشان بودیم.

پس از آن به منزل استاد رفتیم و فرصتی به وجود آمد تا آثار ایشان را از نزدیک تماشا کنیم و بسیار لذت بردیم. آثاری با مضای هنری استاد فرشچیان که در دنیا شناخته شده است. درگذشت استاد فرشچیان و آشنایی شدن این نابغه هنری ایران را به خانواده عزیز و محترم فرشچیان و جامعه هنری ایران و جامعه جهانی هنر تسلیت عرض می‌کنم.

هنرمندی

بی بدیل و یگانه

مرگ فرا می‌رسد؛ اما محمود فرشچیان از جمله هنرمندان بزرگی است که هرگز نمی‌میرد و تنها با جسم او وداع می‌کنیم چرا که آثار ماندگارش نام و هنر او را همیشه زنده نگاه داشته است. هنری که در دنیا زیانزد است. به راستی که محمود فرشچیان یک چهره منحصر به فرد، بی بدیل و یگانه است. به این دلیل که در دنیای هنر، ممکن است هنرمندان به لحاظ ارزش و کار هنری بالاتر از یکدیگر باشند، اما آن مقام هنرمند است که او را به جایگاهی می‌رساند و در همه هنرمندان دیده نمی‌شود.

مانند هنرمندی چون محمود فرشچیان و به همین سبب است که می‌گوییم او هرگز نمی‌میرد. ثروت درونی و فرهنگی او در درجه اول برای سرزمینش و در درجه دوم برای جهانیان به میراث باقی ماند. در آثار ایشان فلسفه شرق و بخصوص هنر ایرانی بسیار نمایان و برگرفته از علاقه‌مندی اوست. نکته قابل توجه اینکه محمود فرشچیان مردی فوق‌العاده خدا شناس و با ایمان است و در تمامی آثار ایشان که به نوعی نگاه به دنیای شرق است، همیشه یک عنصر خداوندی نمایان است.



امیر شیری
خوشنویس
اسرائیلی

آیدین آغداشلو معتقد است که فرشچیان، از بهترین شاگردان اساتید مطرح دوره ماقبل خود بود و زمینه عمومی شدن هنر نگارگری را فراهم کرد. محمود فرشچیان، هنرمند مطرح نگارگری ایران، صبح دیروز، ۱۸ مردادماه ۱۴۰۴ دار فانی را وداع گفت. آیدین آغداشلو: نقاش و تصویرگر پیشکسوت که از مصاحبان، معاشران و همکاران او بود، در گفت‌وگو با «ایران» درباره تأثیری که استاد محمود فرشچیان بر هنر نگارگری در کشور داشتند، اظهار کرد: «سبک و شیوه کهن نگارگری ایران در طول صدها سال، تغییرات عمده‌ای به خود دیده بود ولی آخرین تغییر و تحول در سبک و شیوه را استاد فرشچیان به وجود آورد و بعد از او شاگردان متعددی که تربیت کرد؛ مسیر این تغییر اساسی به رسم استاد فرشچیان را ادامه دادند.»

او با اشاره به انقلابی که به دست استاد فرشچیان ایجاد شد و همچنان ادامه دارد، گفت: «سبک، سیاق و روشی که توسط استاد ابداع شد، جایگاه بسیار تعیین کننده‌ای در طول تاریخ تحول نگارگری ایرانی ثبت کرد.»

آغداشلو ادامه داد: «استاد فرشچیان یک تحول اساسی در زیبایی‌شناسی نگارگری به وجود آورد و این زیبایی‌شناسی از نظر کسانی که هنر نگارگری ایرانی را تعقیب کردند، آشکار است به طوری که وسیله و ابزار استاد تغییر کرد. به طور مثال بیشتر کارهای ایشان با اکریلیک و در اندازه‌های بزرگ نقاشی شد که در قیاس با اندازه‌های کوچک و ظریف نگارگری سنتی ایرانی بسیار متفاوت بود.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا استاد محمود فرشچیان در دهه شصت تا این حد کم‌کار شده بود، عنوان کرد: «من چندان دقیق کارهای ایشان را دنبال نمی‌کردم ولی دوردور شاهد پراکری و تا

دیپلمات عرصه فرهنگ و هنر ایران

استاد محمود فرشچیان عصاره تاریخ و فرهنگ و هنر ایرانی، عصاره مکتب هرات، اصفهان، تبریز و شیراز بود. او فیلسوفی بود که رنگ‌ها، فرهنگ‌ها و سرزمین‌ها را شکافته بود و به دانایی قلم می‌رقصاند. شعر شیخ نظامی «عاریت کس نپذیرفته‌ام، آنچه دلم گفت به او گفته‌ام» آرم و نشان استاد فرشچیان است. او در آناتومی و طراحی مینیاتوری مانند رافائل، رامبرانت، میکل آنجلو، طراحی و قوی کار می‌کرد و در حماسه شاهنامه آثار قوی و قدرتمند از او می‌بینیم و در نهایت اینکه آثار بی‌بدیل نگارگری و مینیاتوری ایرانی در قرن بیستم از او به جا مانده است.

اسب، پرنده‌ها و سبزینه‌هایی که در تابلوی ظهر عاشورا و ضامن آهو در دوردست‌ها به چشم می‌خورد آناتومی دقیقی دارند، فرشچیان در

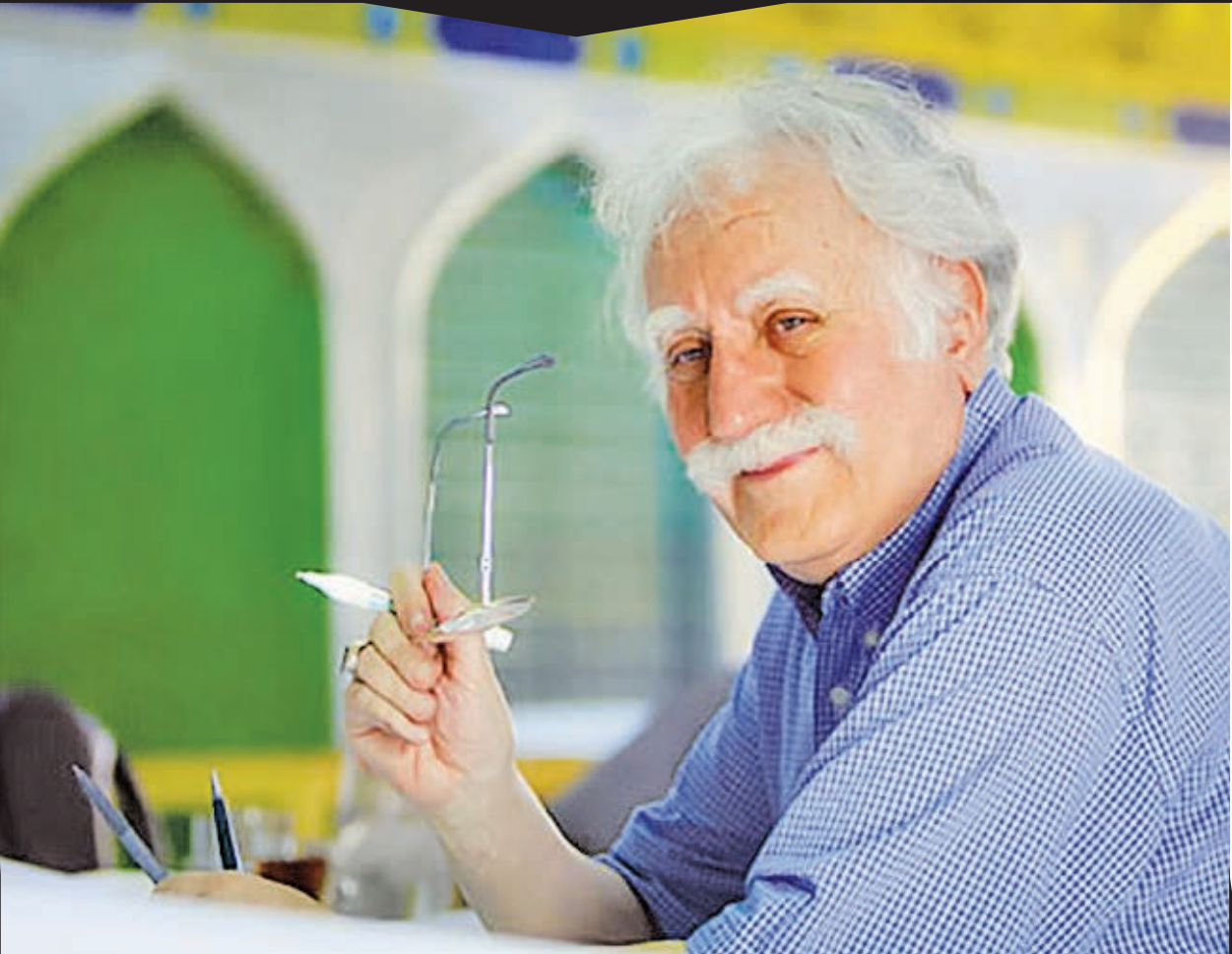
اندازه‌ای سکون در کارهای استاد فرشچیان بود. ایشان درست همانند سایر هنرمندان برای اینکه روش جدیدتری در کار خود ایجاد کند، نیاز به آرامش، تفکر و کم‌کاری داشت که هر هنرمندی این دوره‌ها را در طول زندگی هنری خود می‌گذراند، ولی به هر حال ایشان بیشتر مواقع پراکار بودند و لحظه‌ای دست از کار نمی‌کشیدند.»

این نقاش و تصویرگر ادامه داد: «حدود ۲۰ سال پیش که به منزل ایشان در آمریکا رفتم و مجموعه آثار ایشان را دیدم، بسیار شگفت‌زده شدم که چطور این حجم کار در چنین ابعاد و با این میزان دقت و وجدان کاری خلق شده است. این‌اواخر هم با وجود اینکه از هم دور افتاده بودیم اما همچنان شاهد بودم که نقاشی‌های زیادی را در

مناسبت‌های مختلف خلق می‌کنند.» آغداشلو در ادامه خاطرنشان کرد: «من شخصاً ایشان را بسیار دوست می‌داشتم و ایشان هم به من محبت زیادی داشتند و افسوس می‌خورم که استاد را از دست دادیم. هرچند ایشان با پشتکار زیادی که از خود نشان دادند، مجموعه‌های زیادی از خود به جای گذاشتند و این مجموعه‌ها را به چاپ می‌رساندند و در اختیار کسانی می‌گذاشتند که نمی‌توانستند نقاشی‌هایشان را از نزدیک ببینند، من ندیدم که ایشان در نمایشگاه‌ها حضور داشته باشند، اما آثارشان در مجموعه‌های بزرگ و نفیس به چاپ رسید، به این ترتیب رابطه میان هنرمند و مردم برقرار بود.»

به گفته آغداشلو «نگارگری ایرانی در گذشته یک امر خاص و ویژه بود که در کتابخانه‌های مهم نقاشی می‌شد و امکان اینکه این

گروه فرهنگی / با وجود اینکه صحت و سلامتی استاد «محمود فرشچیان» طی دو روز گذشته توسط همسر این هنرمند پیشکسوت اعلام شده بود، اما سحرگاه دیروز در سن ۹۶ سالگی درگذشت. مرگ هنرمندی چون او صرفاً یک پایان جسمانی نبود، بلکه ترازوی یک جان و جریان هنری بود. گویی سرچشمه خلاق آفرینش هنری خشک نبود. جایگاه و منزلت استاد فرشچیان، نه فقط به دلیل قابلیت های هنری اش در مقام یک نقاش و مینیاتوربست زبردست که به عنوان هنرمندی فاخر و فرهیخته بود که در میان



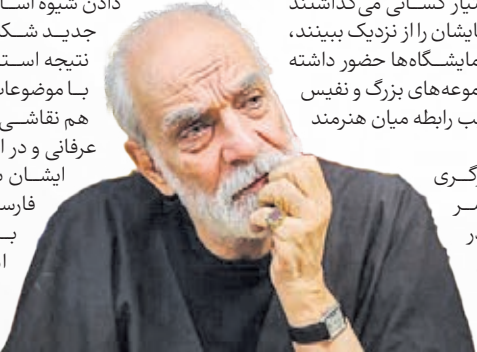
کارنامه محمود فرشچیان در گفت‌وگو با آیدین آغداشلو:

وجدان و حجم کار فرشچیان شگفت‌انگیز بود

آثار از سوی علاقه‌مندان دیده شوند تقریباً صفر بود. اما عمومیت این هنر در نسل جدید نگارگران که از اواخر قاجاریه و به خصوص دوره پهلوی روی کار آمدند شروع شد و تعداد بیشتری آن را دنبال کردند و نسل جدید با اساتید بزرگی همچون استاد حسین بهزاد، استاد محمدعلی اسماعیل زابویه و... همراه با تغییرات آشکاری نسبت به گذشته پایه‌گذاری شد. این تجدید حیات نگارگری و مینیاتوره‌ای نفیس صفویه به وسیله این اساتید شکل گرفت و از بهترین شاگردان آنها، محمود فرشچیان را باید نام برد که با شایستگی زیاد کار کرد.»

آغداشلو در پاسخ به این سؤال که به نظر شما آیا وجهه مذهبی که برای استاد فرشچیان وجود دارد، تصویر کاملی از ایشان ارائه می‌دهد یا نه، گفت: «طبیعتاً عقاید مذهبی استاد فرشچیان در بسیاری از کارهای ایشان منعکس شده است ولی نمی‌توان گفت که آثار استاد صرفاً پرمبانی عقاید مذهبی ایشان خلق شده، بلکه ما آثار زیادی از ایشان را مشاهده می‌کنیم که بر اساس تکرش عارفانه استاد فرشچیان و در حقیقت ادامه

دادن شیوه اساتید قدیم به سبکی جدید شکل گرفته است، در نتیجه استاد هم نقاشی‌هایی با موضوعات مذهبی دارند و هم نقاشی‌هایی با موضوعات عرفانی و در ادامه عشق و علاقه ایشان به ادبیات کهن فارسی که نمونه‌های فراوانی از آن را در آثار استاد فرشچیان می‌بینیم.»



فرهنگ و هنر سرزمینش به زیبایی‌ها و رنگ‌های بی‌نظیر مشرق زمین و از همه مهم‌تر استاد فرشچیان در عشقی که خداوند به او داده مستغرق بود.

فرشچیان پایه‌گذار مکتب روان و نوتری از مینیاتور معاصر بود. تابلوهای مینیاتوری یک مترونیم و دومتر او در موزه سعدآباد شاهکاری است که در آثار بزرگان نقاشی دنیا شاهدش هستیم. من معتقدم شاگردان و پیروان مکتب استاد فرشچیان راحت‌تر و آسان‌تر دست به کار و رنگ برده و با نوآوری دست به قلم‌مو می‌برند. او جسارت‌های استادانه خود را به شاگردانش منتقل کرده تا آنها آفرینش‌های زیبایی را بیافرینند.

او شخصیتی قوی و روحانی از نظر انسانی و آسمانی داشت؛ شخصیتی کاریزماتیک و دیپلمات در فرهنگ

امالی هنرهای دیگر هم احترام و اعتبار داشت و همواره از او به نیکی یاد شده و می‌شود. به بهانه درگذشت استاد محمود فرشچیان که آثارش نه فقط پرتابلو نقاشی که بر حافظه جمعی ثبت و ماندگار شده، بسیاری از هنرمندان نسبت به درگذشت او واکنش نشان داده‌اند و از هنر و منش و فضیلت‌های اخلاقی اش گفتند. برخی از این هنرمندان و اصحاب فرهنگ و هنر درباره این استاد بی بدیل با روزنامه ایران گفت‌وگو کردند یا یادداشت فرستادند که می‌توانید در این صفحه بخوانید.

کلیشه‌های مینیاتور را شکست



بهروز
غریب‌پور
نویسنده و کارگردان

آقای فرشچیان ادامه‌دهنده راه مینیاتوربست بزرگ، یعنی حسین بهزاد است اما خیلی فراتر از او در این زمینه عمل کرده است. او مینیاتور را از حالت کلیشه‌ای جدا کرد و اصولی تازه برای خودش بنا نهاد؛ از پرسپکتیو و رنگ‌آمیزی تا پرداخت چهره‌ها و نقش‌ها، همه را متحول کرد. در واقع حرکتی میان رئالیسم و مینیاتور را آغاز کرد و موضوعات، رنگ‌آمیزی و شیوه کار را گسترش داد. زنده‌یاد فرشچیان به سمت مضامینی از جمله مسائل مذهبی رفت که در مینیاتور ما کمتر دیده می‌شد. او با اعتقادات خودش توانست ایده‌ها و اندیشه‌هایش را به صورت زیبایی بیان کند.

یکی از تابلوهای بزرگ او به ظهر عاشورا مربوط بوده که در آن اسب تنهای امام حسین (ع) و سوگوارانی در اطرافش نشان داده می‌شود. این تابلو روی شخص من بسیار تأثیرگذار بوده است. به صوتی که بخشی از این فضا را در اپرای «ستم و سهراب» و سپس در اپرای «حافظ» تکرار کردم، زیرا ایشان در آن تابلو تمام ماتم، سوگ و غم را به راستی به نمایش گذاشته است. آقای فرشچیان مثل بسیاری از انسان‌هایی که بر قله‌ای قرار می‌گیرند، متأسفانه یا خوشبختانه نظیری ندارند. حتی آنهایی که خواستند شیوه ایشان را تقلید کنند یا پیرو ایشان بودند، نتوانستند به هیچ یک از مدارجی که ایشان رسیده بود، دست یابند. بر همین اساس می‌توانم به ایشان لقب هنرمند تنها بدهم.

آقای فرشچیان روحیه ویژه‌ای داشت؛ ما در شورای عالی خانه هنرمندان ایران، چندین مرتبه درباره او و کارهایشان بحث کردیم. همه متفق بودند که نمی‌شود سبک نقاشی او را به یک صنف خاص معطوف دانست. او نه در گروه هنرهای تجسمی جا می‌گرفت، نه در جمع مینیاتوربست‌ها. فرشچیان هنرمندی متفاوت، مجزا از صنف و خلاق در زمینه‌آثاری بود که نسبت حداقلی با گذشته و نسبت حداکثری با معاصر داشت. او پرچمدار حرکتی بود که نه لشکری داشت و نه پیرو.

هنرهای تجسمی برای خودشان صنف و تعریف دارند، اما آقای فرشچیان در هیچ یک از این قالب‌های کوچک نمی‌کنجید. تمام تلاشتش روی دراماتیزه کردن موضوع بود. در یکی از آثارش، «ستم اژدهایی را نابود می‌کند. این تابلو در جشنواره‌ای در چین پایین کشیده شد چون اژدها برای آنها نماد خوشبختی است و نه پلیدی. این نشان می‌دهد که مضامین و ریشه‌های ایرانی داشت و سعی می‌کرد در آنچه می‌آفریند، به نمایش و تصویرگری نزدیک شود. واقعاً متأسفم که آقای فرشچیان را از دست دادیم. البته آثار ایشان ماندگار است اما پیروان او در حد و اندازه‌ای نیستند که بتوانند به عنوان یک سبک، شیوه ایشان را ادامه دهند.

تأثیر «عصر عاشورا»

در خلق یک سکانس ماندگار

درگذشت استاد محمود فرشچیان، خالق «عصر عاشورا»، دوباره نگاه‌ها را به تأثیر شگرف این تابلو بر هنر معاصر ایران جلب کرده است؛ اثری که نه تنها در نگارگری، بلکه در سینما نیز الهام‌بخش بوده است. یکی از نمونه‌های برجسته این تأثیر را می‌توان در سکانس پایانی «شمار ۱۴۳» دید؛ فیلمی به کارگردانی ترنس آلیار که داستان مادری چشم انتظار را روایت می‌کند.

در صحنه‌ای که الفت پس از سال‌ها انتظار، استخوان‌های فرزند شهیدش را در آغوش می‌گیرد، زارعی تصمیم می‌گیرد واکنش مادر، گریه معمولی نباشد. او به گلاره عباسی، بازیگر دیگر این صحنه، پیشنهاد می‌دهد که به جای اشک، با زدن بر سینه این اندوه را نشان دهد. منبع این ایده، همان طور که خود او می‌گوید، تابلوی «عصر عاشورا»ی فرشچیان است: «بازیام در این سکانس را از تابلوی عصر عاشورا وام گرفتیم؛ از نحوه گرفتن چادرم تا حرکت به سمت تابوت.»

حتی چیدمان صحنه نیز تحت تأثیر این نگاه تغییر کرد. زارعی به طراح صحنه پیشنهاد داد گل‌های تزئینی را از اتاق بردارد، کفش‌های الفت پیش از ورود به اتاق کنار گذاشته شود و همه چیز در فضایی خالی و غریبانه قرار بگیرد تا «غربت شهید و مادرش بیشتر به نظر برسد.» نتیجه، یکی از تکان‌دهنده‌ترین وداع‌های تاریخ سینمای ایران شد؛ لحظه‌ای که سینما با الهام مستقیم از یک تابلو ماندگار، توانست زبان مشترکی با نقاشی پیدا کند و حس و وقار آن را در تصویر زنده بازآفرینی کند.

